

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

استاد علامه، روانشاد احمد علی کهزاد
فرستنده: "بنیاد فرهنگی کهزاد"

آوردن همای دانه انگور را به هرات

انتشار انگور از هرات به سایر نقاط جهان

همه میدانند و از خود و بیگانه تصدیق میکنند که افغانستان دارای بهترین انگورها و واجد اقسام مختلف آنست. در کابل در گوشه شمال غربی (برکی) و قدری دورتر دند شمالی مخصوصاً کوهدامن، در قندهار باغ های کوکران و در حوزه هریرود باغها و تاکستان های اطراف هرات، زیباترین، لذیذترین و شفافترین انگور جهان را تولید میکنند. معمولاً هر خرد و بزرگ افغان میگوید که ما دارای ۶۰ نوع انگور میباشیم. شاید این رقم کمی مبالغه باشد ولی در اطراف سه شهر عمده ما یعنی کابل، قندهار و هرات بدون تردید ۲۰ نوع انگور بار می آید.

در میان داستان های فولکلوری که در مآخذ ادبی و تاریخی هم سرایت کرده است، یکی پیدا شدن دانه انگور بار اول در هرات و روئیدن اولین تاک درین شهر و در نتیجه تولید شدن اولین خم می بصورت غیر انتظاری درین نقطه است، که نقل آن در تاریخچه ظهور تاک و انگور و شراب در تمام جهان اهمیت بسزائی دارد زیرا داستان میگوید که این هر سه بار اول در شهر هرات پدیدار شد و سپس از ین شهر تاریخی به سایر نقاط دنیا پخش و پراکنده گردید. در داستان چنین آمده که در روزگاران قدیم پادشاهی بود موسوم به شمیران که از خویشاوندان جمشید بود و در کنار هریرود، در شهر هرات قلعه ای بنا کرده بود که بنام (دژ شمیران) شهرت داشت. روزی شاه با جمعی از اهل دربار در باغ بزرگ و باشکوهی روی صفا ای کلان نشسته و به چشم انداز وسیع وادی هریرود نظر میکرد که در هوا همائی پدیدار شد و بزمین نشست. چون شاه خوب نگرست دید که ماری به دور گردن همای پیچیده و نزدیک است او را بگزد و هلاک کند. شاه فوراً از درباریان خود خواهش کرد که چه کسی میتواند که با انداختن تیری مار را هلاک کند؟ پسر شاه که (بازان) نام داشت و جوان تیرانداز ماهری بود فوری تیر را به چله کمان گذاشته چنان به مهارت تیر انداخت که به مار اصابت کرد و همای رهائی یافته به هوا پرواز نمود. سال بعد در همان روز باز شاه شمیران در همان باغ و در همان صفا نشسته بود که همائی در آسمان پدیدار شد و بزمین نشست و فوری برخاسته و اوج گرفته و ناپدید شد. شاه رو به اهل دربار کرده و قصه سال گذشته را بیاد آورد و گفت مبادا که همان همای سال گذشته بوده باشد. بروید ببینید که در آن نقطه زمین چه کرده؟ آدم های شاه رفته و چند دانه عجیب را پیش پادشاه آوردند. پادشاه امر داد تا دانه های مذکور را در همان نقطه زمین غرس کنند و یکی از باغبان ها را مامور ساخت که مواظب روئیدن دانه های مذکور باشد.

باغبان قرار دستور شاه دانه ها را کشت و مواظبت همی کرد. چند ماه بعد دید که بوته سبزی از آنجا برآمده. شاه را خبر کرد. شاه با جمعی از اهل دربار به دیدن بوته رفت. نظیر آنرا تا آن وقت ندیده بودند. چندی بعد بوته کلان شد و شاخها دوانید و برگ های پهن و بزرگ ظاهر شد. باز باغبان شاه را خبر کرد. شاه از دیدن درختی که در تمام باغ نظیر آن در سبزی و خرمی نبود در شگفت شد. چندی بعد که خوشه های شفاف انگور روئید و بزرگ شد باز باغبان شاه را خبر داد و پادشاه از دیدن این میوه نرس و نوظهور در حیرت ماند و هدایت داد تا باغبان بخوبی مواظبت کند تا دیده شود که حین رسیدن سایر میوه ها این میوه نرس چه سان میگردد؟ در فصل خزان که سائر میوه ها پخته

شدند، دانه های شفاف انگور از زردی و پختگی زیاد کم کم شروع به افتادن کرد. باغبان باز شاه را خبر کرد. شمیران نزدیک تاک آمده و به مصلحت دانایان خود امر داد تا خمی زیر تاک بگذارند و منتظر نتیجه باشند. دانه های انگور که به تدریج پخته میشد، در خم می افتاد تا اینکه خم پر شد. سپس باغبان سرخم را بست و روزی که از خم میخواست خبر بگیرد، دید که مایعی شفاف و عقیق رنگ در میان خم به جوش آمده. باغبان خود بحضور شاه هرات رفته و آنچه واقع شده بود به عرض رسانید. شاه بار دیگر با جمعی از دانایان دربار در باغ در پای خم آمده و از دیدن آب انگور که بشکل می ناب تبدیل شده بود در حیرت فرو رفتند. چون کسی چنین درخت، چنین میوه و چنین عصاره ای را ندیده بود، برای اینکه زهر نباشد و هلاک نشوند کسی جرأت چشیدن و نوشیدن آنرا نکرد. بالاخره به امر شاه محکوم به مرگی را از محبس آوردند تا از این مایع جدید بنوشد. محکوم به مرگ چون جام اول را نوشید، جام دیگر خواست و سپس پی هم پیمانه را خالی میکرد و از بشره و چهره او نشاط و مستی رونما گردید. شاه شمیران و همراهان او درک کردند که این مایع زهر نیست بلکه مفرح و نشاط آور است. آنکه شاه و همراهان او هر کدام جامی گرفتند و نوشیدند و بدین طریق می در هرات کشف شد. به امر پادشاه وقت باغبانان شاهی در تکر تاک صرف مساعی کردند و در ظرف چند سال تاکستان های انبوه در هرات پدیدار گردید و ساختن می خالص از آب انگور باب شد و تاک از هرات به سائر نقاط جهان پراکنده گردید.

این داستان قشنگ که در مآخذ ادبی و تاریخی راه یافته اصلاً زاده روح و عنعنات باستانی ماست و نشان میدهد که انگور یک موهبت آسمانی است که ذریعه همای بار اول در خاک هرات غرس گردیده است. شبیه ای نیست که راجع به تاک و انگور و شراب در میان سائر اقوام هم قصه ها و داستان هائی موجود است. منجمله یونانی ها در قصص ارباب انواع خود داستان هائی مربوط به دیونیزوس موجود دارند. این دیونیزوس که گاهی بصورت جوان زیبا و نیرومند و گاهی بشکل مرد پخته سال و قوی هیکل با ریش انبوه نمایش یافته، رب النوع انگور و شراب و رقص و مستی بود.

وقتی که یونانی ها با اسکندر به وادیها و کوهپایه های کشور ما رسیدند، تاکستان های قشنگی در بین دیار دیدند. در بسیار جاها تاک های وحشی روی تپه ها و دامنه های کوه ها ایشان را مجذوب ساخت. علاوه برین بعضی معابد و برخی رقص ها که در بین نقاط تاکستان دیدند، ایشان را به حیرت اندر ساخت و چیزهائی شبیه به کشور خود دیدند. برخی از یونانی ها چنان متحیر شده بودند که تصور میکردند دیونیزوس همان رب النوع شراب و انگور افسانه های یونانی قبل از اسکندر به شرق و منجمله در پای کوه های هندوکش آمده و مشرب خود را انتشار داده است. یونانی ها یکی از شهرهای آریانا را که برخی موقعیت آنرا در لغمان و برخی در هده قرار میدهند، بنام دیونیزوپولیس یاد کرده اند که آنرا (شهر دیونیزوس) ترجمه میتوان کرد. برخی دیگر همین شهر را بنام (نیسه) یاد کرده اند و گفته اند که اصلاً دیونیزوس باشنده شهر نیسه بوده و اصلاً نام او به صفت (خدای شهر نیسه) شهرت یافته است زیرا (دیو) یعنی (خدا) و (نیروس) یعنی مربوط به شهر نیسه.

باری این روایات مدلل میسازد که حتی یونانی ها که انگور و تاک و شراب را در ملک و دیار خود بسیار دیده بودند، از دیدن تاکستانهای قشنگ و تاک های خودرو و خم های می ناب و رقص ها و مستی ها در نقاط مختلف این سرزمین به بهت و حیرت اندر شده اند. و این پیش آمد واضح میسازد که کشور ما در قرن های قبل از آغاز مسیح با داشتن تاکستان ها و انگور وافر و فراوان و لذیذ مشهور بود. / ۳۰ عقرب ۱۳۴۱/

یادداشت: از استاد کهزاد مقاله دیگری نیز در این مورد است که قسمتی از آن از بین رفته است. در صورت پیدا شدن، کاپی مقاله از منابع سابق داخلی به نشر سپرده خواهد شد.